Alaska

CODENAME ANASTASIA

Uploader:

The owl

Translator:

Kaito

Editor:

Lian & MtN

Director:

Lian

ارائه شده توسط تیم
آنویی سکای

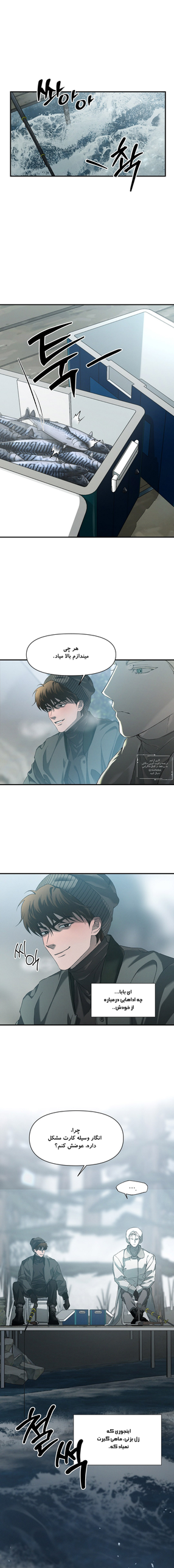
쌍아아
착
툭
هر چی
میندازم بالا میاد..
ای بابا...
چه اداهایی درمیاره
از خودش..
ㅋㅋㅋㅋ
چرا،
انگار وسیله کارت مشکل
داره، عوضش کنم؟
...
اینجوری که
زل بزنی، ماهی گیرت
نمیاد که.
철썩

اسم رمز
آناستازیا
این آب
خیلی زلاله، امکان نداره اصلا
ماهی نداشته باشه.
شرط‌بندیه؟
یه جورایی
آره.
تو چی
داری که شرط
ببندی؟
آره... هربار اینجوری میشه حس
می‌کنم چه تاجر بزرگی هستی.

با این وضعیت فعلی که پولی واسه شرط بندی ندارم، این پیشنهاد واسم معنیی نداره.

هاها

الان چیزی ندارم
که بهت بدم، چطوری قراره
آرزوم رو برآورده
کنی؟

آرزو...؟

به جاش هر
چی خواستی آرزو کن، نباید
حرفی بزنی.

می‌تونی از
پسش بر بیای؟

هاها

Ek...!

چه بچه
په/ز/ی...

تو هم
دیگه زیر حرفت نزن،
بچه.

화악

هاها!
با یه تیر دو نشون
زدم!

همون‌طور که
می‌بینی لیست آرزوهای من
پره، یکم ازش بذارم تو
لیست تو.

철썩

휘익

کم‌کم داره هوا سرد
می‌شه. حرف‌هام هم که نه
کشیده، این بارو هم انگار خیال
بلند شدن نداره...

오톨

صبح‌ها معمولاً به نسیم
ملایمی از غرب می‌وزه. آفتاب هم
هست ولی نه اون‌قدر که آدم رو
بسوزونه.

برای ماهیگیری عالیه
ولی برای پاراگلایدر مناسب
نیست. فکر نمی‌کردم شرط
بندی این‌قدر آسون باشه.

아~

وشنم رو تنظیم کاردم. خب «نگاه به دوستگرایی عرب دیزرو» جهت باد رو هم فهمیدم. تکلم تکلم برگاردیم.

تکلیه هلیکوپتر رو ترانی می تکلم و دانس، مگار کاردن به اینکه تنها می‌مونه از الان داره تکلیهم رو تکوتک می‌کنه.

هی...

هیس.

هاه؟

?

빠아

부글

부글

휙

...!

꾸르륵

꾸르륵

팽!

팽

!!

촤

악

철썩

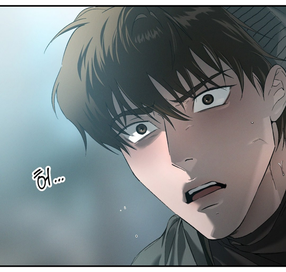
...اوغ

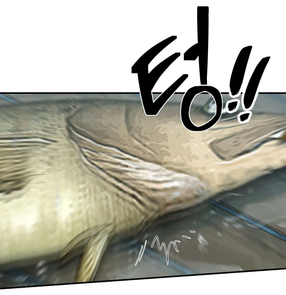
텅!!

펄떡
این...
این چیه؟
쟉!
펄떡
펄떡

퍽!
와르르

هه...
뻑
뻑

آرزوی اون بازو
خیلی نابود بود.

فشط مسئله اینه تکه
چه شرط‌های اضافه میگه‌ای
بعش اضافه میشه.

مگه نگفتی با
یه نفر بیشتر از دو بار این
کارو نمی‌کنی؟

چاره‌ای نیست.

چون الان
غیر از تو کسی رو ندارم که
ازش خواهش کنم.

خب اگه تو
به این گیجه‌ی تو جزیره
نمیومدی این مشکل حل
می‌شد، مگه نه؟

روی
چهار دست و پات خم
شو.

فهمیدی
که مثل یه حیوون
خم شو.

قرار
بود دیگه بر نزنی،
مگه نه؟

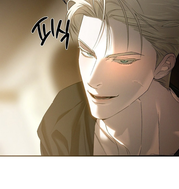

آه... ببرا بابه همچین
شوخی‌ها می‌ذاشتم؟

دهن لعنتیم.
لعنت به این دهن...!

خوشت نیومد؟
یه آرزوی دیگه بکنم؟

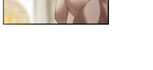

چه سلیقه‌ی
تکلیف‌های اولی تو...

باشه...
فهمیدم.

덜컹

쭈뿝..
꼼지락
꼼지락

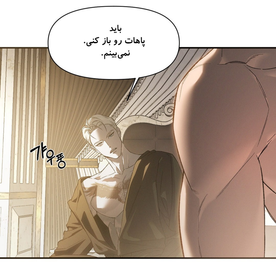
باید
پاهات رو باز کنی.
نمی‌بینم.
가우뚱

움찔
لعنتی...!
مگه جی رو باید ببینه؟!!!

부들
«نحوناهم دار» رو هم
سانیده می‌شه.

ولی اگه بخوام روی این
بارو رو کلم کلم، معلوم نیست
چه بلایی سرم بیاد...
움찔
움찔
덜컹

스윽

하압
음읏!
아...
깨득
쥬륩
슬쩍
쥽
이..이게 아니라 저는...
바들바들
꾸욱
콰직!!
아...
헉!
흠칫
...!
아..아아!
퍼억!
팡!
하욱!

핫!
به این، آهه، بی رحمی
عادت نکردم، هق

쭙

하아—
درسته.
معاشقه قبل از سکس یه
چیز تجمله.

زجه بزن،
زایکا.
تازین از تیم
ترجمه و ادیت اوپی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@NoNoNai
دنبال کنید

ادامه دارد ...

سلام
این فایلی که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

AOISEKAI

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:

HTTPS://T.ME/AOISEKAI